



بخوان و دیکته بنویس.



من اول هر کاری نام خدا را بر زبان می آورم.

خواهرم از بزازی پارچه ی گل دار قشنگی خرید.

بنا با آجر و سیمان برای ما خانه های زیبا می سازد.

نجار با میخ و تخته در، پنجره و میز می سازد.

نقاش دیوارها را خیلی خوب رنگ می زند.

مادرم در بازار فروشگاه ها و دکان های

نانوایی، کفاشی و قنادی را به من نشان

داد.



**تشدید**

بچه ها از آموزگار خود تشکر کردند

که به آن ها خواندن و نوشتن یاد داده است.



بخوان و دیکته بنویس.



ژاله و منیژه دو خواهر خوب و مهربان هستند.

آن ها هم دیگر را خیلی دوست دارند.

پیش از خواب دندان های خود را مسواک

می زنند.

ژاله از خواهرش خواهش می کند تا برایش

کتاب مورچه خوار دانا را بخواند.

خدا کسی را که با ایمان است

و نماز می خواند، دوست دارد.

آموزگار از مجید خواست تا

برایش چند ماژیک بیاورد.



**خوا استثنا**